

فصل اول

گزارش یادواره ائمه جماعات شهید

بیانیه مرکز رسیدگی به امور مساجد به مناسبت برگزاری اولین یادواره ائمه جماعات شهید

«ولاتحسین الذین قتلوا فی سبیل اللہ امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون»

شهیدان انقلاب در کربلاهای ایران حسین‌گونه با خدا معامله کردند و سرفرازانه در بزم حضور بر سر سفره عاشورا و مهمانی اباعبدالله، از دست ساقی ملکوت جام شهادت نوشیدند، ائمه جماعات شهیدی همچون حضرات آیات سعیدی، شاه‌آبادی، نواب صفوی، مفتاح، غفاری و سایر همزمانشان به عنوان اسوه و الگویی که جهادشان الهام‌بخش و راهشان صلاهی آگاهی و تعهد آفرین است، همواره بر تارک انقلاب اسلامی می‌درخشند.

امروز نیز محراب‌های مساجد به‌عنوان محل حرب با نفس اماره و سنگر جهاد با دشمنان همچنان خط مقدم مرزبانی از اسلام و انقلاب اسلامی و نیز ادامه راه سرخ شهیدان است.

آری در دهه نخستین محرم و اقامه عزای سالار شهیدان که با ایام الله دهه فجر تقارن یافته، برگزاری نخستین یادواره ائمه جماعات شهید، مسئولیت عظیم و رسالت مهم و خطیر کنونی ما را خاطر نشان می‌سازد. بدین‌سان ما شرکت‌کنندگان در این یادواره، براساس آموزه‌های فکری و

عملی آن سبکبالان عاشق و عارفان بالله اعلام می‌داریم:

۱ - با عنایت به آن که محور انقلاب عاشورا آگاهی‌بخشی و طرد هرگونه خرافه و جهل است، ملت عاشورایی ایران ضمن اقامه هرچه با شکوه‌تر عزاداری امام حسین علیه‌السلام، در برابر هرگونه خرافه و تحریف ایستادگی خواهند کرد.

۲ - تجلی پر فروغ پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان دیباچه زرین کتاب حقیقت و بزرگترین پرچمدار مبارزه با جهل و جور و استکبار، خفاشان شب‌پرست را چنان به وحشت افکنده که به توهین و استهزا روی آورده‌اند!! آنان می‌دانند که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پیامبر عشق و محبت پای به عرصه گیتی نهاد تا مستکبران حق ستیز و تمامیت خواه را از صحنه زندگی بشر بگریزاند. مگر نمی‌دانند که:

«یریدون لیطفنوا نورالله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الكافرون».

مرکز ضمن محکوم ساختن این تلاش‌های مذبحانه همه مؤمنان، اندیشمندان و آزادگان جهان را به اعتراض گسترده و پاسخ دندان‌شکن فرا می‌خواند هرچند امت پیامبر آخرالزمان چنان پاسخ دندان‌شکنی به استکبار جهانی خواهند داد که هرگز جرأت جسارت به ساحت مقدسات اسلامی را پیدا ننمایند.

۳ - ضمن بزرگداشت نام و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی و تقدیم احترام به همه شهدای انقلاب اسلامی، به ویژه ائمه جماعات شهید و با تأکید بر وجهه ضداستکباری، انقلاب، در شرایطی که استکبار جهانی با تمام قوا به میدان آمده تا ملت بزرگ ایران را از حق مسلم خود یعنی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای محروم سازد به گونه‌ای که حتی پژوهش در این عرصه را

بر نمی‌تابد و پرونده ایران را به شورای امنیت ارسال نموده است با دعوت از ملت قهرمان ایران برای حضور در راهپیمایی روز ۲۲ بهمن در سالگرد پیروزی انقلاب رهایی‌بخش اسلام، روز پیروزی خون بر شمشیر و اعلام پشتیبانی کامل خود از نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبر فرزانه آن حضرت آیه‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی و دولت خدمتگزار از تلاش علمی فرزندان برومند ملت ایران قردردانی و تشکر نموده، خواهان تداوم آن می‌باشد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد

ستاد برگزاری اولین یادواره ائمه جماعات شهید

سخن خورشید

شهادت، بزرگترین فیض الهی است، عزت ابدی است، حیات ابدی است، سعادت است، اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است، سرافرازی است، هدیه‌ای است از جانب خدای تبارک و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند، زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت‌هاست، ارثی است از موالیان ما - که حیات را، عقیده و جهاد می‌دانستند و در راه مکتب پرافتخار اسلام، با خون خود و جوانان عزیز خود، از آن پاسداری می‌کردند - به ملت شهیدپرور مآرسمیده است؟ (آری) مگر عزت و شرف و ارزش‌های انسانی، گوهرهای گران‌بهایی نیستند که اسلاف صالح این مکتب، عمر خود و باران خود را در راه حراست و نگهبانی از آن وقف نمودند؟^۱

شهادت در راه خداوند، چیزی نیست که بتوان آن را با سنجش بشری و انگیزه‌های مادی ارزیابی کرد و با دیدگاه امکانی نتوان به مقام والای شهید در راه حق و هدف الهی او پی‌برد که ارزش عظیم آن، معیاری الهی و مقام والای او، دیدی ربوبی لازم دارد و نه تنها دست ما خاک‌نشینان از آن

^۱ . صحیفه نور: ج ۱۵، ص ۵۱ .

و این کوتاه است که افلاکیان نیز از راه یافتن به کنه آن عاجزند، چه آنها از مختصات انسان کامل است و ملکوتیان با آن مقام اسرار آمیز، فاصله‌ها دارند. قلم اینجا رسید و سر بشکست و مابازماندگان و عقب‌افتادگان در آرزوی آن و این، باید روزشماری کنیم و حسرت شهادت و شهید و شهیدپروران این چنانی را که با ایشار ثمره حیات خود، عاشقانه به این شهیدان شاهد افتخار می‌کنند، به‌گور بریم و از شجاعت‌های بی‌نظیر شهیدان و دوستان اسیر و مفقودشان و آسیب‌دیدگان و اشتیاق زایدالوصف اینان برای بازگشت به میدان شهادت، احساس خجلت و حقارت کنیم.^۲

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتا بل احياء
عند ربهم یرزقون»^۳

اگر نبود برای شهدا در راه خداوند مگر این آیه کریمه، در معرفی مقام بانند پایه شهدا کافی بود، که عزیزانی که در راه حفظ اسلام و کشور اسلامی، بزرگترین سرمایه خود را از دست داده‌اند، شهادتی که در حفظ شرف اسلام و دفاع از جمهوری اسلامی، همه چیز خود را در طبق اخلاص تقدیم خداوند متعال کردند. در این آیه کریمه، بحث در زندگی پس از حیات دنیا نیست که در آن عالم، همه مخلوقات دارای نفس انسانی، به اختلاف مراتب از زندگی حیوانی و مادون حیوانی تا زندگی انسانی و مافوق آن زنده هستند، بلکه شرف بزرگ شهدا در راه حق، حیات عندالرب و ورود در ضیافت الله است.^۴

^۲ . صحیفه نور: ج ۱۸، ص ۱۱۹ .

^۳ . آل عمران: ۱۶۹ .

^۴ . صحیفه نور: ج ۱۸، ص ۲۲۳ .

مراسم افتتاحیه همایش ائمه جماعات شهید

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض خیرمقدم خدمت ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام حضرت آیه الله هاشمی رفسنجانی و با تشکر از حضور علمای محترم ائمه محترم جماعات و خانواده‌های معزز شهدا، ایام عاشورای سید و سالار جوانان اهل بهشت، حضرت سیدالشهدا علیه السلام را تسلیت عرض می‌کنیم و سالگشت ایام خجسته فجر انقلاب را گرامی می‌داریم.

صفات کبریایی را ز مردان خدا آموز

ز مردان خدا صفات ذات کبریا آموز

ز سربازی، سرافرازی بود آزاد مردان را

سرافرازی و سربازی ز شاه کربلا آموز

حسین آسا به دفع فتنه بیگانگان بر خیز

شعار آشنایی با خدا از آشنا آموز

بیا در مکتب قرآن و بشنو درس قرآن را

مروت، عاطفت، مردانگی، وفا آموز

سخنرانی حجه الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله وعلى آله وآل الله و اللعن
على اعدائهم اعداء الله.

خدمت همه عزیزان، ائمه محترم جماعات خیرمقدم عرض می‌کنم و از
شخصیت برازنده و خدوم و با سابقه و از ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی
و از مؤسسين این انقلاب عزیز و عظیم، حضرت آیه الله هاشمی رفسنجانی که
همواره از افتخارات روحانیت بوده و خواهند بود و به سبب آنکه در همه
محافل و مجالسی که ما از ایشان تقاضای حضور کردیم، بدون هیچ منتی
حضور پیدا کردند، صمیمانه تشکر و امتنان داریم.

این محفل عزیز و عظیم، تمهید مقدمه‌ای است برای محفلی بزرگتر، عظیم‌تر،
گسترده‌تر، عمیق‌تر و با ژرفای بیشتر ان شاء الله. جامعه ما مدیون روحانیت به
ویژه شهدای روحانیت است. اکنون که خداوند به ما فرصتی داده
تا در این مقطع گامی برداریم حتماً آن گام حساب شده و همه جوانبش
سنجیده شده ان شاء الله بتوانیم در راستای احیای یاد آن عزیزان و کسانی که

در دوران غربت اسلام، تا پای ایثار جان در این مسیر حرکت کرده‌اند؛ و یاد و خاطره آنان، قطعاً یاد و خاطره اسلام است، که اگر این ذخیره‌ها را بزرگ بداریم، در حقیقت اسلام را بزرگ داشته‌ایم.

وقتی ما به تاریخ می‌نگریم هیچ نهضت و حرکتی در اسلام به نتیجه‌ای نرسیده است مگر اینکه يك یا چند تن روحانی عظیم‌الشان در رأس آن بوده‌اند، یعنی هیچ حرکت مثبتی در اسلام عزیز به نتیجه نرسیده مگر آنکه روحانیت در آن ایفای نقش کرده است. از نهضت‌های فکری و علمی گرفته تا نهضت‌های سیاسی و ملی، در همه جا روحانیت را در رأس آن هرم مشاهده می‌کنیم برای مثال اگر ما حرکتی در مشروطه داریم می‌بینیم رهبران مشروطه، روحانی هستند و اگر نهضت تنباکو را در نظر آوریم، در آنجا نیز میرزای شیرازی و سایر علما را در کنار ایشان مشاهده می‌کنیم و اگر نهضت ملی شدن صنعت نفت را داریم، در آنجا هم روحانیت را مشاهده می‌کنیم که در رأسشان مرحوم آیه‌الله کاشانی دیده می‌شود اگر نهضت سربرداران را می‌بینیم باز در آنجا هم يك روحانی را در رأس امور مشاهده می‌کنیم و اگر این انقلاب عزیز و عظیم اسلامی را که امروز موجب افتخار همه‌ی مسلمانان و گستره آن تا اعماق جان همه‌ی مسلمین و مستضعفین در نظر بگیریم، در آنجا هم امام والا مقام و آن عارف و اصل و یاران باوفایش را مشاهده می‌کنیم. لذا امروز ما در این محفل سه قداست مهم داریم که باید به هر سه توجه بشود:

اول، **مساجد:** «فی بیوتِ اذن اللّٰه ان تُرْفَع» و «أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَاتُذْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».

دوم، علمای شخصیت‌هایی که این سنگرها را حفظ کردند و نظام مقدس جمهوری اسلامی هم عمده بهره‌ای که برای پیروزی از این سنگرها برد

به وسیله علما و ائمه محترم جماعات و کسانى بود که از سخن آنان تأثیر پذیرفته بودند.

سوم، شهدا.

این سه قداست را ما امروز در این محفل عزیز داریم یعنی در باب شهدا باید گفت امسال مهم‌ترین تقارنى که پیش آمده، تقارن انقلاب اسلامى با عاشورای حسینی علیه‌السلام است که ما می‌توانیم از این فرصت بسیار استفاده کنیم.

انقلاب بر خاسته از عاشورا و فرهنگ عاشورایی است که ملت ما را به پیروزی رسانده و امروز این عظمت را آفریده است. مشکلات فراوانی که امروز بر ایمان فراهم کرده‌اند، یقین بدانید که بخش اعظمش مرتبط با پیروزی اسلام است؛ اسلام امروز بحمدالله احیا شد، در سراسر دنیا، یعنی دین‌گرایی امروز در دنیا بیشترین گستره و در بین ادیان، گوناگون بیشترین جاذبه را دارد، برای دشمنان اسلام تحمل این امر مشکل است، لذا به ساحت مقدس پیامبر گرامی اسلام جسارت و اهانت کردند و آن هم حساب شده بود. ابتدا در کشور دانمارک بود، اما بعد به همه کشورهای اروپایی کشیده شد که این توطئه يك هماهنگی از قبل طراحی شده را می‌رساند. آنها خواستند با جسارت به پیامبر در حقیقت با اسلام مبارزه کنند، اما باید گفت این جایگاه و این پایگاه و این مقام رفیع، جای پرواز این موجودات ضعیف و ناتوان نیست به عبارتی همهی اراده‌ها در دست مستکبران نیست، و اراده دیگری هم بر نظام هستی حاکم است که آن اراده الله است، در تمام دوران، طاغوت‌ها، حرکت‌هایی در مقابل حق و حقیقت داشتند اما همواره اراده خدا غلبه پیدا کرده و در این مقطع هم ان شاءالله اراده خدا غلبه پیدا خواهد کرد. حتی باید گفت که این‌ها با عمل جاهلانه خود موجب

گسترش بیشتر اسلام خواهند شد.

از يك طرف مردم بیشتر جذب اسلام خواهند شد و از طرف دیگر هم مسلمانان به خواب فرو شده در این مقطع از خواب بیدار خواهند شد و به آن گوهر گران بهایی که خدا در اختیار آنها گذاشته، توجه بیشتری خواهند کرد و اسلام را بیشتر مورد توجه و عنایت قرار خواهند داد. امروز تظاهراتی که در سراسر کشورهای اسلامی و عکس العمل‌هایی که نشان داده شد، بیانگر این حقیقت است که مسلمان‌ها به پا داشته و منسجم می‌شوند و عجب اینجاست که ما در مسئله هسته‌ای که مورد حمله قرار گرفتیم، همه بر ضد ما متحد شدند، این پدیده در مقطع عجیبی واقع شد یعنی در ایام عاشرورای امام حسین علیه السلام، در ایام سالگرد دهه مبارک فجر بعد در ایامی که به ساحت مقدس نبی مکرم اسلام توهین کردند. می‌خواهم عرض کنم که همه‌ی این‌ها می‌تواند برای مقابله با دشمن قدار و حیل‌گر و خدعه‌گر عواملی مثبت باشد که ان شاءالله تظاهرات گسترده ۲۲ بهمن پاسخی خواهد بود به حرکتی که در مقابل اسلام عزیز قرار گرفته است. من سخن را طولانی نمی‌کنم تا از محضر حضرت آیه‌الله هاشمی رفسنجانی به نحو مطلوب بهره‌مند شویم و ما امیدواریم خدا توفیق خدمتگزاری را از ما سلب نکند.

سخنان حضرت آیه‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وَالسَّلَام عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ.

از برادران در مرکز رسیدگی به امور مساجد متشکریم که این برنامه را شروع کردند، جای این برنامه در بزرگداشت شهدای خالی بود و یکی از خوش سلیقگی‌های آقایان این است که مقدمه کار را از مسجد خیابان قیاسی، مسجد آیه‌الله شهید سعیدی شروع کردند. در بین مساجدی که حقیقتاً از پيشتازترین پایگاه‌های مبارزه بود همین جا بود و تا امروز هم همان ویژگی را حفظ کرده و ما خاطراتی فراوان از جلساتی که در دوران سخت مبارزه در اینجا تشکیل می‌شد، داریم که معمولاً قربانی هم می‌داد، افرادی را در هر جلسه بازداشت یا احضار می‌کردند و خود آیه‌الله سعیدی بیشترین آسیب را از برنامه‌های اینجا می‌دید. از این جهت این برنامه مهم است که محورها و جهات مبارزه و حرکت دینی را در تاریخ، در این قبیل برنامه‌ها باید ببینیم.

چند واژه کلیدی در این برنامه هست که هر يك از آنها استحقاق آن را دارد که درباره آنها مقالات بسیاری نوشته شود و سخنرانی‌ها و تحلیل‌هایی

صورت گیرد: **شهادت، مسجد، روحانیت، امام جماعت مسجد.**

هر قطعه از تاریخ را که ما مرور کنیم و تحول مثبتی را که در کشورهای اسلامی و به خصوص در ایران رخ داده، جست و جو کنیم، یکی از این واژه‌های کلیدی را می‌بینید و به نقش آفرینی آنها برخورد می‌کنید، تا به امروز، و ان شاء الله تا ابد.

من در صحبت‌هایم از هر يك از این واژه‌ها چند جمله‌ای عرض می‌کنم و انتظار دارم مقالاتی که برای کنگره بزرگ سازمان مرکزی اداره مساجد تهیه می‌شود، به طور مفصل به این مسائل بپردازد تا يك یادگاری از این برنامه بزرگداشت در تاریخ ثبت بکنند که یادگاری سازنده و روشن‌گری خواهد بود.

از هر يك که بخواهیم شروع کنیم می‌بینیم که دیگری تقدم دارد، فرق نمی‌کند از کدام يك شروع کنیم. لذا از مسجد، خانه‌های خدا که زیبنده‌ترین نام برای آن همین است.

خانه‌های خدا

خدا که همه چیز و همه جا متعلق به اوست، وقتی نقطه‌ای را به‌عنوان خانه خود انتخاب می‌کند، عظمت آن کاملاً روشن است و احتیاجی به توضیح ندارد. «فی بیوتِ اذن الله ان ترفع و يُذکر فیها اسمہ».

مسجد از لحظه طلوع اسلام که پیغمبر توانست جایی را به‌عنوان مسجد انتخاب کند تا امروز همیشه پایگاه خیر و خیرات و حرکت مثبت بوده و هیچ وقت شری از مساجد دیده نشده و اگر جایی دیده شده هم چون «مسجد ضرار» محکوم شده است یعنی در زمان خود پیغمبر هم که این سابقه تاریخی رخ داده، اما سوء استفاده‌ها از پیش محکوم شده است.

جالب این است که در تاریخ کمتر موردی دیده می‌شود که مدرسه‌ای مستقل از مسجد باشد؛ یعنی در گذشته‌ها همیشه مساجد، در کنار خود مدارس هم برای آموزش مبلغان و علما داشتند، همان غرفه‌هایی که در آنجا درس می‌خواندند؛ در سال‌های اخیر رسم شد که مدارس جدا از مساجد احداث شود، مسجد، هم مرکز آموزش بود، هم مرکز هدایت و ارشاد، هم مرکز رسیدگی به امور مردم و هم مرکز حرکات مهم سیاسی.

ائمه جماعات مساجد، تاریخ‌سازان همه تاریخ ایران از بعد مثبت به‌شمار می‌رفتند. خوش‌بختانه امروز هم در مدارس علوم دینی بناست که يك رشته تحصیلی و چند واحد به عنوان «مدیریت مساجد» جزو دروس طلبه‌ها گنجانده شده که بسیار مهم است، چون رسم نبوده که ما طلبه‌ها درباره مدیریت مسجد چیزی بخوانیم خودمان کار را حل می‌کردیم؛ این موضوع عالمانه باید آموزش داده شود تا از مساجد که امروزه اهمیت‌شان بیشتر از گذشته است درست بهره‌برداری شود.

دوم؛ روحانیت

روحانیت در طول تاریخ بعد از غیبت کبری، البته در زمان حضور ائمه و غیبت صغری هم، به شکل دیگری در سراسر دنیای اسلام اداره می‌شدند البته عنوان ایشان روحانی نبوده، بلکه مُحَدَّث بوده‌اند. یعنی کسانی بوده‌اند که معارف را به مردم می‌رساندند و در امور زندگی دینی مردم مداخله می‌کردند، اما بعد از غیبت صغری که شخصی به عنوان امام، یا به عنوان نایب امام - مشخصاً مسئولیتی در ظاهر نداشت به‌تدریج روحانیت به شکل يك صنف درآمد و این صنف در تمام این دوران بیش از يك هزار و سیصد

ساله، نقش اساسی را در دنیای اسلام، و به خصوص در ایران که بیشتر فعالیت مکتب تشیع، یعنی مکتب اهل بیت - در اینجا حضور داشته، ایفا کرده است در همه این دوران کسی اگر تاریخ را بخواند، می بیند که روحانیت همیشه در مقابل حکام زورگو و در کنار مردم بوده، اگر حاکم خوبی بود روحانیت هم با او بود و همکاری می کرد. اگر حاکمی از تبار انسان های ناشایست می آمد و ظلم می کرد، روحانیت حساب خود را جدا می کرد و حامی مردم می شد، گاهی واسطه و شفیع و گاهی هم مبارز و مدافع، که این جالب است.

واقعا انسان می بیند که بیش از هزار سال، يك صنف و گروه خاصیت خود را حفظ کرد، این يك مفهوم مهمی دارد؛ شما در اصناف دیگر چنین چیزهایی نمی توانید پیدا بکنید، البته دلیل عمده اش این است که روحانیت زبان اسلام و قرآن است و این چیزی است که قرآن می خواهد و اسلام می خواهد یعنی روحانیت اگر بخواند با قرآن باشد چاره و راهی غیر از این ندارد، و از این جهت این افتخار برای روحانیت همیشه هست شما هر جای تاریخ را ببینید، اگر يك حاکم صالحی به طور موقت یا به هر صورت پیدا شده، می بینید که روحانیت آنجا از او حمایت کرده است. اما به محض این که علائم انحراف در او پیدا شده، روحانیت راه خود را جدا کرده و از مردم حمایت کرده است چنانچه فشار زیاد می شده قهر می کرده و به طور جدی فاصله می گرفته است تا همین زمان ما هم همین طور بوده، یعنی تا دوره ای که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، روحانیت عینا همین گونه عمل کرده است. مطمئنا در آینده هم همین است، به همین دلیل مطمئن ترین پایگاه دفاع از مردم و حق و میهن، می تواند روحانیت باشد، نه اینکه دیگران نیستند، ما هیچ وقت دیگران را نفی نمی کنیم، بدنه ملت همیشه با حق بوده، شخصیت ها

و نخبگان فراوانی همواره با حق بودن‌ده‌اند، ایشان با روحانیت سر و کار داشتند و همراه و همکار بودند، این هم در اهمیت واژه دوم. و اما کلمه **شهادت** که یکی از واژه‌های کلیدی این برنامه است؛ ما از همه روحانیت و همه مساجد تمجید می‌کنیم، اما شهدای مساجد، عالم دیگری دارند، محبوب‌ترین انسان‌ها پیش خداوند، شهدا هستند، کسانی که مخلصانه جان خود را، عزیزترین موجودی خود را تقدیم خداوند و راه خدا کرده‌اند و خدا هم تضمین کرده که اینان «سعید» و رستگار باشند و به رحمت خداوند واثق شوند. مقامی را کسب کنند که دیگران نمی‌توانند به آنجا برسند، مقام شفاعت داشته و زنده باشند. مرگ برای آنان در تاریخ معنا دارد، جان‌شان در اسکلت بدن‌شان نیست، اما من نمی‌دانم در چه اسکلت و ظرف دیگری این جان هست که زنده است؛ یعنی آثار زندگی دارد و ارتزاق می‌کند، رشد می‌یابد. اگر ما با مرگمان پرونده اعمالمان بسته می‌شود، با باقیات و صالحات آن پرونده مفتوح است، خداوند پرونده ایشان را مفتوح نگاه داشته و زنده‌اند؛ تبلورش در جامعه ما هم دیده می‌شود. ما برای شهدایمان مقرراتی وضع می‌کنیم. همان درجاتی که مثلاً اگر نظامی هستند به تدریج مثل بقیه نظامیان و به مرور زمان درجه می‌گیرند.

البته این موارد، مادیات است؛ مسائل معنوی چیز دیگری است که خداوند فرموده:

«عند ربهم یرزقون».

این را ما به درستی نمی‌فهمیم به فراوانی تحلیل‌ها و تفسیرها و تعبیرهایی کرده‌ایم، اما حقیقتش باید گفت که این حیات، حیاتی است که ما سر در نمی‌آوریم، چون ما زمانی که بمیریم باز در برزخ زنده‌ایم، حیات برزخی

داریم و بعد هم حیات اخروی پیدا می‌کنیم و جاویدان هستیم از لحاظ ادامه حیات، ولی شهدا حیات دیگری دارند که ما منع شده‌ایم از اینکه به ایشان بگوییم اموات، ما به هر کسی که بمیرد می‌گوییم: «میت» اما به ما گفته‌اند: به شهدا نگویید «میت»، اینان زنده‌اند و پیش خدا روزی می‌خورند. به این معنا که دارند رشد می‌کنند، رو به کمال می‌روند، هزارها سال هم اگر از مرگ ایشان بگذرد، دنیایی دارند و به جلو می‌روند، اگر بگویند خُب هزار سال، مگر چقدر می‌خواهند رشد بکنند، آنان به طرف خدا می‌روند، راه خدا هم که بی‌پایان است و تمام نمی‌شود. اگر صد بار دنیا دوره‌اش تمام شود، باز خداوند عظمت و کمالش بی‌پایان است و هرکس هرچه پیش رود باز نیاز دارد جلو برود، خود پیغمبر هم با همه مقاماتشان دائماً می‌فرمایند: «اهدنا الصراط المستقیم» و به خدا نزدیک می‌شود؛ شهدا با این عظمت، حقیقتاً خون‌پیکر تاریخ هستند و تغذیه کننده معنویت تاریخ، حقیقتاً مشعل راه درست بشریت به‌شمار می‌روند و این نعمت در بین ما فراوان است.

اصولاً مکتب تشیع شهیدپرور است. امام حسین این راه را روشن‌تر و واضح‌تر پیمودند و درس‌های مهم‌تری در تاریخ ثبت کردند. اوج راه شهادت را ایشان نشان دادند. هرکس به مقدار بضاعتش در این مسیر می‌رود و این بزرگراه را سرانجام طی می‌کند و به آنجا می‌رسد که فیض به قدر قابلیت است و ظهور به قدر استعداد.

و اما امام جماعت؛ واژه چهارم، آن هم بسیار جالب است این سمتی که امروزه عده‌ای در جماعات دارند، در اسلام قرار نبوده که این چنین باشد، یعنی يك نفر معین همیشه امام جماعت باشد، سعی بر این بوده که هر وقت هر جمعی که جمع شدند، اگر یکی از آنها صالح‌تر بود، پشت سر او نماز بخوانند،

صالح‌ترین‌ها همیشه جاو می‌افتادند. چون مردم می‌خواهند نماز بخوانند شوخی با کسی ندارند، می‌خواهند وظیفه خود را ادا کنند، تعارف هم ندارند؛ باید به کسی اقتدا بکنند که از نظر آنان، همه صفات خوب را داشته باشد، حداقل آن حسن ظاهر است، یعنی عیبی در او نبینند، عمقش عدالت است. صفت انسانی که در محیط اجتماعی زندگی می‌کند، داشتن علم و تخصص که بتواند مسجد و جمع را اداره بکند از دیگر ویژگی‌هاست که همه این‌ها ایجاب کرده که به طور طبیعی، امت اسلامی در هر جایی، امام ناطقی پیدا بکند. این کار درستی است، در عین اینکه در فضاهای معمولی در خانه، اداره یا در هر جایی که هر انسان با حسن ظاهر و کسی که نمازش را درست بتواند بخواند، می‌تواند امام جماعت باشد، امامت جماعت مساجد یکی از دستاوردهای مطلوب تجربه تاریخ ماست جایی که نکات مهمی را باید مراعات بکنیم، جایی با نام مسجد و شخصی به نام امام جماعت، مطالبی که از قرآن و سنت گرفته می‌شود و مخاطبانی که نوعاً انسان‌هایی هستند که وابستگی به مسجد دارند و صفا و صمیمیت اسلامی در کلامشان موج می‌زند. مجموعه‌ای جمع است که ارشاد را به معنای واقعی خود تحقق می‌بخشد؛ لذا ما نقش ائمه جماعات خود را در دوران مبارزه‌ای که خودمان شاهد بودیم و بعد از انقلاب در تداوم انقلاب - هر وقت نیاز به حضور مردم صمیمی مسلمان در صحنه‌ها بوده، ائمه جماعات پل واقعی بین آن نیاز و این مردم شدند، یعنی مردم از طریق ائمه جماعات وارد صحنه شدند، دوران مبارزه محسوس بود و روزهای آخر دوران مبارزه شما این چیزها را خوب دیدید، وقتی که امواج خروشان مردم مثل سیل از مساجد به طرف نقطه نهایی راهپیمایی‌ها و حرکت می‌کردند پیشاپیش مردم گروهی از روحانیون و امام جماعات مساجد

حضور داشتند، مردم هم با خاطر جمع وارد صحنه می‌شدند و می‌دانستند این راهی که می‌روند را ه‌رشد و صلاح آنهاست و اعتماد داشتند به وقتی که می‌گذارند و خطری که می‌پذیرند و هزینه‌ای که می‌کنند.

در میان ائمه جماعات ما عده‌ای به فیض شهادت رسیدند که فراوانند این فیض برای افراد معینی نیست، ولی شما ستاره‌هایی در بین آنها می‌بینید مثل ائمه شهید جمعه‌ها که بهترین علمای در سنین بالای ما بودند. هم‌چون شهید صدوقی، شهید دستغیب، شهید قاضی، شهید مدنی، شهید اشرفی اصفهانی و شهدای دیگری که داشتیم. در ائمه جماعات دوران انقلاب پیشتازشان شاید شهید سعیدی بود که تهران را تکان داد وقتی ایشان به شهادت رسیدند ما در جامعه روحانیت مبارز و در هیئت انصار الحسین که آن موقع محور مبارزات بخش بازاری‌ها بود، فهمیدیم که چقدر تأثیر گذاشت و انقلاب را در آن زمان يك قدم به جلو برد، شهدای بعدی هم چون شهید غفاری بود که در زندان شهید شدند و مثل شهید سعیدی، تأثیری عمومی در انقلاب گذاشت.

بعد از انقلاب مثل شهید مفتح و شهید شاه‌آبادی و شهید محلاتی که این‌ها همه شهدای ائمه جماعات هستند، هر يك از آنها يك رکن به‌شمار می‌روند. ان شاء الله درکنگره اساسی و در مقالات این مسائل را بررسی خواهیم کرد. مجموعه روحانیت در این دوران مبارزه که دوران ایثار و فداکاری بود، از خودش تجربه بسیار موفقی نشان داد، نسبت شهدای روحانی را با جمعیت روحانی کشور و شهدای غیرروحانی کشور حساب کنید، روحانیت چندین برابر شهید داده و باید هم این‌طور باشد و طبیعی است چون این‌ها مردم را دعوت به جهاد می‌کنند و خودشان هم عمل می‌کنند و تبعاً

باید سهم بیشتری بگیرند؛ این‌ها باید در صف مقدم باشند و صف مقدم آنجایی است که خطر بیشتری دارد و این اتفاق درست افتاده، ما هم احساس غم نمی‌کنیم احساس افتخار می‌کنیم که این‌گونه اتفاق افتاده است.

دشمنان اسلام از این موقعیت غافل نبوده و نیستند، یعنی حالا هم نیستند، معمولاً آنهایی که تحلیل کرده‌اند فهمیده‌اند که کجا را باید بزنند در درجه اول، خود اسلام و قرآن را که اگر بتوانند آن را از دل مردم بیرون بکنند برای آنها يك فتح جهنمی خوبی است، ولی سخت است مستقیم نمی‌توانند وارد شوند میدان مخالفت‌شان وسیع است، اما ضربه را نمی‌توانند کاری بزنند، به همین جهت دشمنان از طریق جریان‌های مؤثر در تحکیم اسلام وارد می‌شوند که از میدان به در کردن روحانیت یکی از حلقه‌هایی است که همیشه بوده به خصوص در این دوران بعد از انقلاب فرانسه که دوره استعماری هم بعد از آن شروع می‌شود.

حتماً شما شنیدید که سیاستمدار بسیار معروف انگلیسی در پارلمان انگلیس وقتی که سؤالاتی از او در باره دنیای اسلام کردند او خودش قرآن را آورده بود، آنجا بلند کرد و گفت: «تا این کتاب بین مسلمان‌ها مقدس باشد، ما نمی‌توانیم نفوذ بکنیم» این محور سیاست این‌ها بود که عزت قرآن و عزت اسلام را بگیرند، چگونه بگیرند؟

باید بروند روحانیت را بکوبند، یا روحانیت را تسلیم کنند، برای همه‌اش هم اقدام کرده‌اند، روحانیون تسلیم و سازشکار و به اصطلاح آن زمان درباری را هر چه توانستند تجلیل کردند و به آنها میدان می‌دادند و روحانیت آزاد و مجاهد را هر جا توانستند سرکوب کردند، با تخریب کردن، با کشتن، با تحقیر کردن، دیگر هیچ مانعی جلوشان نبود، هرکاری بر ضد روحانیت

توانستند کردند، ولی مردم چون می‌فهمیدند چه کسی با آنهاست و چه کسی حق را می‌گوید، راه خودشان را پیدا می‌کردند لذا بیشتر متمایل به روحانیت اصیل و در صحنه بودند و به کسانی که از خدا، دین و مسجد دفاع می‌کردند، تمایل نشان می‌دادند. این وضع همیشه بود، منتها مواقعی اوج می‌گرفت. مثلاً بعد از مشروطه موقعی که این‌ها خیال می‌کردند دیگر روحانیت آن نقش را نمی‌تواند ایفا کند، خیالشان راحت شده بود، چون مدارس آمده بود و دانشگاه‌ها می‌آمد؛ تصور می‌کردند. مرجع فکری مردم عوض شده، در نهضت مشروطه دیدند آن طوری که فکر می‌کردند درست نیست، دیدند آن کسانی که توانستند رژیم فاجار را بشکنند، آن کسانی که توانستند استبداد مطلق را تبدیل به مشروطه کند، علما هستند یعنی با یک فتوا، با یک کلمه، جامعه را به حرکت در می‌آورند، از نجف يك جمله می‌گفتند، برنامه استعماری را به هم می‌زنند مثل تنباکو و چیزهای دیگر.

مشروطه را این‌ها با كمك مردم بر پا کردند؛ البته بدون مردم، کاری نمی‌توانستند بکنند، دوباره دست گرفتند به فکر افتادند که اسلام و دین را در ایران به کل از میدان بیرون کنند! البته در ترکیه هم همین‌طور بود آن موقع دو مرکز قدرت بود؛ یکی ایران بود که شیعی بودند و یکی هم ترکیه بود که اهل سنت بودند و خلافت در آنجا بود، تصمیم گرفتند هر جا هم علمای سنی و هم علمای شیعه را از میدان به در بکنند، آنجا مأموریت خود را تحقق بخشیده‌اند. کمال أتاترک عمل کرد و موفق شد و رژیم لائیکیتی که برقرار کرده بود، هنوز هم هست، البته مردم ترکیه خیلی عوض نشدند همین حالا شما اگر به شهرهای جنوبی ترکیه بروید مردم‌شان شبیه مردم ما هستند. مثل مردم قم، مشهد، این‌طور مردمی هستند، مردم‌شان هنوز راه خود را می‌روند

ولی سیستم‌شان این‌طوری شده است.

در ایران سلسله پهلوی را آوردند و به رضاخان برنامه‌های عمیقی دادند و بسیار هم رندانه به او یاد دادند، او خود که اهل تفکر نبود، مشاوران داخلی حسابی هم نداشت، يك نظامی قلدری بود، که موفقیت‌هایش هم با قلدری بود که در صحنه‌های نظامی از خود نشان می‌داد مشاوران خارجی برای او گذاشتند، برنامه به هم زدن قدرت دین و روحانیت را در ایران به دست او خواستند عمل کنند؛ اولش هم به تظاهر پرداخت، این‌طور نبود که وقتی شروع کرد، اسم ضد دین را ببرد شما حتما در تاریخ خوانده‌اید که اگر نخواندید، بخوانید او در هیئت‌ها شرکت می‌کرد، به پیشانی خود گل می‌مالید بیش از همه گل می‌مالید یعنی اگر همه پیشانی خود را گل‌آلود می‌کردند او صورتش را پرگل می‌کرد و دستش را می‌کرد در تشتی که از گل با تربت درست شده بود و می‌کشید به سر و صورتش و با صدای بلند در هیئت‌ها فریاد یا حسین می‌کشید، و موثر هم شده بود رسانه‌هایی که انگلیسی‌ها در اختیار داشتند، این‌ها را خوب به خورد مردم می‌دادند او آمد ادعای عجیب و غریبی مطرح کرد که معلوم بود دروغ می‌گوید، ولی اثر کرد، زمانی که او آمد سلسله قاجار رسمیت داشت، شاه و سلسله قاجار داشتیم. ایشان نخست وزیر شده بود ولی آمد جمهوری را مطرح کرد گفت: ما باید کشورمان را جمهوری بکنیم برای اینکه آنان را از میان ببرد و از میدان به در کند، مسئله جالب در اینجا هوشیاری مرحوم شهید مدرس بود. انسان واقعا می‌فهمد چقدر در میان روحانیون افراد آگاه وجود دارند.

شهید مدرس آن موقع نماینده مجلس بود. اکثریت قاطع آن مجلس به سبب همین تظاهری که رضا شاه می‌کرد، با رضا شاه بود وقتی مسئله

جمهوری‌ت مطرح شد، فراکسیون‌ی به رهبری تدین طرفداری کردند و مرحوم مدرس با فراکسیون کوچک‌تری با جمهوری‌ت مخالف بود و بسیاری تعجب کردند.

گفتند خوب است، این مرد می‌گوید جمهوری، گفت: بله جمهوری خوبس (با لهجه اصفهانی) خیلی هم خوبس، اما این جمهوری نمی‌خواد این می‌خواد به اسم جمهوری بر ما مسلط شود و پدر ما را در بیاورد! با همین تعبیرها. وقتی این حرف‌ها را زد شخص نامردی از میان نماینده‌ها بلند شد، يك سیلی آبداری گذاشت توی گوش مرحوم مدرس و ایشان را از مجلس بیرون کرد و بعد ایشان را ترور کردند! و البته ترورشان مؤثر نشد و بعد ایشان را تبعید کردند، مدرس جای خوبی را انگشت گذاشت و ایستاد يك درس به تاریخ داد، اما اصلاً نگذاشتند صدای او بلند شود و حتی در تاریخ ایران به طور واضح ثبت شود.

من همین مسئله را در زمان مبارزه حضرت امام، می‌بینم، وقتی که امام مبارزاتشان را شروع کردند، شاه برای اینکه امام را خلع سلاح بکند، آن اصول چندگانه انقلاب سفید شاه و مردم را مطرح نمود، در آنها چیزهایی بود که مخالفت با آن موارد سخت بود، یکی این بود که خانم‌ها بیایند رأی دهند، خوب تا آن موقع خانم‌ها رأی نمی‌دادند، این مسئله مبارزه را سخت می‌کرد یکی این بود که در کارخانه‌ها، کارگرها را شریک کنیم، یکی اینکه منابع طبیعی را بفروشیم و چه کنیم، یکی اینکه سرباز معلم بفروسیم روستاها برای اینکه مردم را آموزش دهند (سپاه دانش) از این چیزها گفت.

مبارزه با این‌ها خیلی سخت بود، یعنی کسی که مخالفت می‌کرد می‌رفت در سنگر ارتجاع و شاه برای خود سنگر مترقی درست کرده بود، با آموزش

امریکائی‌ها! امام وقتی وارد شدند گفتند: این‌ها همه خوب است، ما اصلاحات ارضی خوب را قبول داریم، ما می‌دانیم زمین‌ها مال این فئودال‌ها نیست، اما این‌ها می‌خواهند این مسائل را تابلو کنند تا رژیم پهلوی را برای خود نگه دارند، خوب اگر این بلا بماند از همه چیز بدتر است، بگذارید این درخت خبیث را از ریشه بکنیم که زیر سایه این خوار و خس‌ها نباشد، ما همه این‌ها را خودمان اصلاح می‌کنیم، لذا امام با این‌ها مخالفت کرد، خیلی کار سختی بود، درست در زمان مدرس هم همین‌گونه بود، شعارهایی که رضاخان مطرح کرده بود، مخالفت با آنها بسیار سخت بود، ولی مدرس به قیمت جاننش ایستاد، مقداری روشن‌گری کرد، امام هم ایستاد، اما موفق شد.

دوره امام فرق می‌کند، امام وقتی این حرف را زد، جمعیت عظیمی از علما و فضلاء قم و شخصیت‌های متدین سراسر کشور در رکابش بودند، مبارزه‌ای که برای جلوگیری از مصوبه هیئت دولت قبلاً کرده بودند، لشکر امام هم در کشور شناخته شده بود، امام، طرفداران حسابی داشتند؛ زمانی که این حرف را زدند، چون مرجع تقلید هم بودند همه پذیرفتند و مبارزه و مقاومت کردند و نگذاشتند این موضوع تخطئه شود و جای خود را عوض بکند، رژیم پهلوی را رسوا کردند. به هر حال روحانیت، این‌گونه عمل می‌کند.

پهلوی خواست همه چیز را حذف کند، مساجد را بست، روحانیت را خلع لباس کرد. هیئت‌ها را بست، روضه خوانی‌ها را تعطیل کرد، حجاب را از سر زن‌ها برداشت، کارهای فراوانی کرد که ریشه دین را در کشور بکند، هم چنین ریشه روحانیت و ائمه جماعات و مساجد را برگزند، تا حدودی هم موفق شد. وقتی او را از ایران بیرون کردند تقریباً همه چیز تعطیل بود

اما دل‌های مردم به سبب چیزهایی که دیده بودند و می‌شناختند، با اسلام و قرآن و روحانیت بود، لذا بعد از شهریور ۲۰ یک باره این دل‌ها خود را نشان داد و این وضع پیش آمد، امروز هم همین طور است؛ یعنی بساطی که شما الان می‌بینید به پیغمبر اکرم اهانت می‌کنند، آن هم همه کشورهای قلد از این اهانت حمایت می‌کنند، چه می‌تواند باشد؟ برای این‌که می‌خواهند این مشعل الهی را از جامعه بشری بگیرند! واقعا فکر نکنید این روحیه آزادی خواهی آمده و پیغمبر را مورد اهانت قرار داده، آن هم در قالب آزادی بیان یا قلم، راستی چه می‌گویند؟ کسی آزادی خواه باشد اما بیاید هدفش را تخریب پیغمبر صلی الله علیه و آله قرار دهد، پیغمبری که آمد از یک جامعه جاهلی و عجیب، تمدن عظیمی را در دنیا خلق کرد که یک میلیارد و نیم انسان امروز روی کره زمین به او عشق می‌ورزند و ندای (لا اکره فی الدین) را سر داد و بهترین آزادی را به مردم داد، آمده‌اند به اسم آزادی به او اهانتی کنند، معلوم است که هدفشان چیست و چرا این کارها را می‌کنند، تأثیرش هم به اندازه تأثیر کارهای پهلوی است، به اندازه تأثیر همین جنایاتی است که دیگران کردند. این ملت و این مردم و خوشبختانه این دفعه، همه دنیای اسلام، جمعی از کشورهای اسلامی از ما جلوتر ایستادند، حتی نخستین جرقه‌ها در خود دانمارک زده شد، مسلمانانی که آنجا تحت فشار هم هستند آن هم مشکل اقامتی، گذرنامه و مشکلاتی از این نوع دارند ولی تظاهرات کردند و کم‌کم این موج توسعه یافت و حالا رسیده به سراسر دنیا و مسلمانان دارند فریاد می‌کشند، واقعا این چراغی که پیامبر، قرآن و روحانیت، در دل مردم و مساجد روشن کرده به این آسانی خاموش شدنی نیست. چیزی هم که آنها را سر جای خود می‌نشانند، هوشیاری حضور مردم در صحنه است

که ببینید مردم این حرف‌ها را باور نکردند و سر حرف خود و عقیده خود و روی پای خویش ایستادند که ان شاء الله در ۲۲ بهمن که در پیش داریم مردم ایران این را ثابت می‌کنند. اگر سال‌های دیگر گاهی به صورتی محدود می‌آمدند این بار بیشتر می‌آیند، ان شاء الله روز ۲۲ بهمن روشن‌تر نشان دهند حمله‌هایی که به ایران می‌شود چه در مسئله هسته‌ای، چه در مسئله اهانت به پیغمبر، چه در تبلیغات عظیمی که بر ضد ما و به خصوص بر ضد روحانیت راه انداخته‌اند، مردم حضور آگاهانه‌ای را ان شاء الله در ۲۲ بهمن در خیابان‌های سراسر کشور خواهند داشت.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

گزیده سخنرانی حجه الاسلام والمسلمین ناطق نوری در دومین اجلاس گرامی داشت ائمه جماعات شهید

مراسم اجلاس شهادی روحانیت و ائمه جماعات به همت مرکز رسیدگی به امور مساجد و همزمان با هفته جهانی مساجد در مسجد الجواد برگزار شد.

حجه الاسلام والمسلمین ناطق نوری در این مراسم، در سخنانی رفتار عالمان شیعه را متفاوت با رفتار و اعمال علماء و روحانیت سایر ادیان و مذاهب خواند و گفت: پیوند روحانیت شیعه با مردم عمیق و ریشه‌ای و نشأت گرفته از ائمه اطهار است و علمای شیعه باید به این مدال خود افتخار کنند.

ائمه اطهار در برابر ستم‌گری‌ها، تحریف‌ها، ظلم‌ها و در برابر حرکت‌هایی که به نام دین از افرادی که کاری به دین نداشتند می‌ایستادند و نه می‌گفتند. نه گفتن در برابر باطل و ایستادن در برابر ظلم و انحراف در زمان ائمه همه متفاوت بوده است و در هر دوره، نوع برخورد با باطل متفاوت بوده است.

ایشان افزودند: علماء و روحانیون شیعه وارثان امامان ما هستند تا حرکت ائمه را در خصوص مبارزه با مفسد و ظالمان ترویج دهند. ایشان با بیان این که نظام جمهوری اسلامی ایران اشخاصی را می‌خواهد که ایشارگر و مجاهد باشند، گفت: در جمع علماء نیز اشخاصی هستند که فقط نان ولایت را

می‌خورند و هیچ کار دیگری انجام نمی‌دهند ولی هستند اشخاصی که چوب ولایت را نیز می‌خورند، نظام جمهوری اسلامی ما به ایشان نیازمند است که علاوه بر خوردن نان ولایت، چوب ولایت را نیز بخورند. ایشان قیام تنباکو، انقلاب مشروطه، نهضت و جنبش ملی صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد و انقلاب ۲۲ بهمن و همچنین ۸ سال دفاع مقدس را از افتخارات روحانیت برشمرد و رهبری روحانیت و عالمان دینی و پاسخ مثبت دادن مردم به ندای روحانیت را دو عامل مؤثر و تأثیر گذار و دو صفت مشترک در تمام این حوادث و قیام‌ها عنوان کرد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: هرکجا که اسلام و یا کشور اسلامی به خطر افتد روحانیت پیشتاز بوده و در جهت حفظ دین و حفظ استقلال حرکت نموده است. وی با اشاره به تاریخ مبارزات شیخ فضل‌الله نوری و دسیسه انگلیس در ایجاد بدبینی نسبت به وی در بین مردم، بر لزوم هوشیاری روحانیت در برابر فتنه‌های دشمنان در ایجاد ائتلاف بین مردم تأکید کرد. ایشان حرکت برای ایجاد مشروطه و مخالفت با مشروطه انحرافی غیرمشروع را نیز از دستاوردهای علمای و روحانیون مبارز در دوران گذشته عنوان کرد و شجاعت حضرت امام خمینی ره و طرفداری ایشان از شیخ فضل‌الله نوری را که دشمنان تمام تلاش‌شان را بکار بردند که شیخ شهید را طرفدار استبداد معرفی نمایند، یکی از نمونه‌های بارز رهبری روحانیت دانست.

مشاور مقام معظم رهبری در ادامه گفت: این که برخی‌ها اعلام می‌کنند دخالت بر امور مسلمین جهان از جمله فلسطین و لبنان ربطی به ما ندارد، درست نیست، زیرا دفاع از مسلمانان بر همه مسلمانان واجب است، همان‌طور که

مجاهدان و مجتهدان شیعه در دوران گذشته از شیعه و اسلام دفاع کردند. ایشان افزود:

این که برخی در خصوص برخی از ارگان‌های دولتی از جمله سپاه و شورای نگهبان ابراز نظر می‌کنند و مخالفت خود را با این دو ارگان رسمی کشور بیان می‌کنند، در اصل مخالفت‌شان حساب شده است که باید مسئولان کشور مراقب این‌گونه مخالفت‌ها باشند، زیرا جریانات و اتفاقات دوران گذشته در حال ادامه یافته است و مخالفت دشمنان در جهت حفظ منافع خود آنهاست.

حجه الاسلام والمسلمین ناطق نوری تصریح کرد: اگر روحانیون، مساجد و حوزه علمیه نبود هیچ‌گاه پیام امام به گوش مردم نمی‌رسید و چه بسا انقلاب پیروز نمی‌شد. ایشان ماه مبارک رمضان و ماه محرم را از برکات نهضت انقلاب اسلامی خواند و افزود: در ماه مبارک رمضان رژیم شاه با ریختن در مدرسه فیضیه علمای ما را به خاک و خون کشیدند و از طرف دیگر حضرت امام خمینی با شجاعت تمام در ماه محرم با حضور در مدرسه فیضیه و قرائت فاتحه یاد شهدای فیضیه را گرامی داشت که این حرکت امام در آن دوران برای رژیم ستمگر شاه بسیار سخت و از طرف دیگر برای پیروزی انقلاب بسیار مهم و تأثیرگذار بود.

حجه الاسلام والمسلمین ناطق نوری همچنین به نقش و حضور روحانیت در عرصه جنگ تحمیلی اشاره کرد و افزود: آمار شهدای روحانیت در هشت سال جنگ تحمیلی نسبت به قشر خود دارای بیشترین شهید است و پیش‌تازی علما و روحانیون در هشت سال جنگ تحمیلی بار دیگر نشان داد که روحانیت در صحنه جنگ تأثیر خود را بر رخدادهای داخلی و همچنین خارجی نشان

می‌دهد.

حجه الاسلام والمسلمین ناطق نوری در پایان سخنان خود به پیروزی حزب الله لبنان اشاره کرد و افزود: آنچه که حزب الله لبنان را در برابر صهیونیسم تا بن دندان مسلح پیروز کرد، عقل و تدبیر بالایی سید حسن نصرالله بود که با نثار خون فرزند خود، جوانان سنی و مسیحی را با خود همراه ساخت و امروز این اثر خود و پیشتاز بودن روحانیت دنیا را به حیرت انداخته است.

همچنین ایشان در پایان به مناسبت سالروز شهادت امام موسی کاظم علیه السلام ذکر مصیبت آن امام همام پرداخت.